

بررسی و تحلیل روش تفسیری تفسیر هدایت

نیکتا میرزایی^۱

^۱ کارشناس ارشد تفسیر قرآن مجید، دانشگاه علوم قرآنی شهید اشرفی اصفهانی کرمانشاه، کرمانشاه، ایران

چکیده

از زمان آغاز نزول قرآن و با توجه به نیاز به قابل فهم کردن قرآن کریم برای همگان در دوره های مختلف مفسران توانا و بزرگی ظهور کرده اند، در عصر پیامبر نیز خود آن حضرت به شرح و تفصیل آیات قرآن کریم می پرداختند و پس از ایشان صحابه و امیرالمؤمنین و سپس تابعین عهده دار این مسئولیت بودند. پس از گذر از این زمان ها و نیاز روز افزون به بیان قرآن به زبان ساده و قابل فهم برای بهره گیری هر چه بیشتر و بهتر از این منبع وحی مفسران آستین همت بالا زده و هر کس در حد توان خود تلاش می کرد قدمی در راستای خدمت به قرآن و ارائه خدمتی به جویندگان این کتاب عظیم بردارد. یکی از این مفسرین سید محمد تقی مدرسی است که در کتابی با عنوان «من هدی القرآن» در این راستا قدم برداشته است. روش کار ایشان در تفسیر همان روش پیامبر ﷺ یعنی روش قرآن به قرآن است و با گرایش ادبی اجتماعی تفسیری ارزشمند را تدوین نموده اند. از این رو پژوهش حاضر تحت عنوان «بررسی و تحلیل روش تفسیری تفسیر هدایت» با روش کتابخانه ای به همراه توصیف و تحلیل و با هدف بررسی روش و گرایش محمد تقی مدرسی در تفسیر هدایت، تنظیم شده است. در این پژوهش برآنیم که روش کار این مفسر عالی قدر را برای بهره گیری بهتر و بیشتر از کتاب ارزشمند من هدی القرآن بشناسیم.

واژه های کلیدی: قرآن کریم، تفسیر، محمد تقی مدرسی، تفسیر هدایت

مقدمه

بی‌گمان قرآن را باید منشور جامع هدایت تشریعی الهی دانست که زمان و مکان را درنوردیده و تشنگان حقیقت را به قدر تشنگی سیراب کرده است. اگر قرآن بهار دل‌ها، شفای دردها، سرچشمه‌ی دانش‌ها و زداينده‌ی تیرگی‌هاست، اگر قرآن کتاب هدایت و درس زندگی و کسب دانش است، باید این کتاب را شناخت و در زوایای آن کندوکاو کرد تا به ژرفا و درون مایه‌اش راه یافت و از رهنمون‌هایش پند گرفت. قرآن کریم در اهمیت تدبر و اندیشیدن در آیاتش سخن‌ها گفته است و مسلمانان را به مطالعه و تفکر در کلامش تشویق کرده است. به عنوان نمونه خداوند در قرآن می‌فرماید: «كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ وَلِيَتَذَكَّرَ أُولُوا الْأَلْبَابِ»^۱ و از سوی دیگر درست است که قرآن به زبان مردم نازل شده و کتابی است مبین و آشکار اما به پیامبر گرامی اسلام ﷺ در این آیه‌ی شریفه: «بِالْبَيِّنَاتِ وَالزُّبُرِ وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ»^۲ دستور داده شده تا قرآن را شرح و توضیح دهد، زیرا این کتاب آسمانی در کنار همه فهم بودن آن دارای مفاهیم عمیقی است که هر کس را یارای فهمیدن تمامی آن نیست، از این رو نخست خود پیامبر عهده‌دار تفسیر آن شد و آن حضرت با تشکیل حلقه‌های درس به تربیت شاگردانی شایسته پرداختند. در میان انبوه صحابه آن کس که بیش از همه درخشید، امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) بود و پس از ایشان به ترتیب عبدالله ابن عباس در مکه، عبد الله ابن مسعود در کوفه، ابی ابن کعب در مدینه و ابوموسی اشعری در بصره با تشکیل نشست‌های تفسیر به تبیین قرآن پرداختند و دستاورد تلاش‌های ایشان تربیت شاگردانی از تابعان و ظهور مکاتب تفسیری مختلف بوده است و اینان در تفسیر قرآن نخست از خود قرآن سپس روایاتی که از صحابه نقل شده و نیز از آن‌چه که از اهل کتاب پرسیده می‌شد استفاده و بهره می‌بردند. در این عصر مردم زیادی از بلاد مختلف مسلمانان، به طرف مرکز وحی روی آوردند که اطلاعات مذهبی را فرا گرفته و احکام و مباحث فقهی مورد نیاز خود را بیاموزند. سلسله مفسران پس از صحابه و تابعین ادامه پیدا کرد و تا به الآن نیز ادامه دارد. از جمله اینان می‌توان به آیت‌الله سید محمد تقی مدرسی اشاره کرد. این پژوهش بر آن است که با نگاهی به زندگی آیت الله سید محمد تقی مدرسی و روش تفسیری وی در کتاب «من هدی القرآن»، ویژگی‌های این کتاب ارزشمند را برشمارد. ضرورت و اهمیت این پژوهش معرفی کتاب ارزشمند «من هدی القرآن» و بیان روش تفسیری مؤلف آن می‌باشد، با توجه به این‌که هر مفسری در تفسیر دیدگاه و شیوه‌ی خاص خود را دارد.

در این قسمت به مفهوم‌شناسی واژه‌های زیر که در جهت فهم مطالب ضروری و لازم می‌باشند پرداخته می‌شود:

۱- مفهوم شناسی روش

۱-۱- معنای لغوی روش (منهج)

«منهاج» جمع «منهج» است. «نَهَج»، «مِنْهَج» و «مِنْهَاج» در لغت به معنای «الطريق»، (الطريق الواضح) راه روشن، و راه مستقیم آمده است. صاحب مقایس می‌گوید: «نَهَج و منهج هر دو به معنای راه راست است و جمع منهج، منهاج است». (مصطفوی، ج ۱۲، ص ۲۵۷) در مصباح‌المنیر آمده است: «نَهَج (بر وزن فُلس) راه روشن است، و منهج و منهاج نیز به همان معنا می‌باشند». (فیومی، ج ۱، ص ۶۲۷) ابن منظور در لسان‌العرب می‌گوید: «منهج طریق یعنی راه روشن و منهاج نیز به معنای منهج است. در قرآن کریم آمده است: «ما برای هر یک از شما [پیامبران]، شریعت و راه روشنی

^۱ (ص/۲۹: [این] کتابی مبارک است که آن‌را به سوی تو نازل کرده‌ایم تا درباره‌ی آیات آن بیندیشند، و خردمندان پندگیرند).

^۲ (نحل/۴۴: [زیرا آنان‌را] با دلایل آشکار و نوشته‌ها [فرستادیم]، و این قرآن را به سوی تو فرود آوردیم، تا برای مردم آنچه را به سوی ایشان نازل شده است توضیح‌دهی و امید که آنان بیندیشند).

را قرار دادیم» و منهج، راه روشن را گویند و «نَهَجَتِ الطَّرِيقَ» یعنی راه را پیمودم. و این که می گویند: فلانی راه فلان شخص را استنهای می کند یعنی همان راه و روش او را می پیماید. (ابن منظور، ج ۱۴، ص ۳۰۰) سایر کتب لغت نیز، مانند «العین»، (فراهیدی، ج ۳، ص ۳۹۲) «مفردات» (راغب اصفهانی، ماده نهج) و... منهج را به معنای فوق دانسته اند. بنابراین، در این معنای منهج، طریق (راه یا روش)، روشن بودن آن، و نیز استقامت که دوری از انحراف و کجی است تأثیر دارد.

۲-۱- معنای اصطلاحی روش

برای معنای اصطلاحی روش در اکثر کتب لغت این معنا ذکر شده: روش «منهج» در اصطلاح به معنای راه روشن در تعبیر، عمل یا آموزش دادن چیزی است که مطابق پیش فرض های معین و نظام مشخصی برای رسیدن به هدف معین می باشد.

۲- مفهوم شناسی تفسیر

۲-۱- معنای لغوی تفسیر

تفسیر از ماده «فَسَّرَ» به معنای روشن کردن و آشکار ساختن است. راغب اصفهانی می گوید: فسر به معنای آشکار کردن معنی معقول و تفسیر همانند فسر است. (راغب اصفهانی، ص ۳۰۸) صاحب قاموس المحيط می نویسد: الفسر: روشن کردن و برداشتن پوشش است. (فیروز آبادی، ص ۱۱۰) مرحوم طبرسی می نویسد: «کلمه تفسیر از ماده و ریشه «فسر» به معنای کشف و روشن کردن است. (طبرسی، ج ۱، ص ۲۰) در ترجمه ی المعجم العربی الحدیث آمده: «فَسَّرَ - فُسِّرَ الامر: کار را آشکار و روشن ساخت. المغطی: پوشش را برداشت». (جر، خلیل، ج ۲، ص ۱۵۸۴) برخی نیز آن را از اصل «سفر» که آن نیز عبارت از کشف و شهود است می دانند.

۲-۲- معنای اصطلاحی تفسیر

می توان گفت اکثر علما و مفسرین در مورد معنای لغوی تفسیر نظرات مشابهی دارند اما اختلافی که در اقوال دیده می شود در باره ی معنای اصطلاحی این واژه است. در این جا چند نمونه از این اقوال ذکر می شود:

۱- تفسیر: «روشن کردن مراد از لفظ و بیان مطلب است». (طبرسی، ج ۱، ص ۲۰)

۲- تفسیر: «روشن ساختن مفهوم آیات قرآن مجید و واضح کردن منظور پروردگار است». (خویی، ص ۲۷۳)

۳- تفسیر به معنای بیان معانی آیات قرآنی و کشف مقاصد و مدالیل آن است. (طباطبایی، ج ۱، ص ۷)

۴- تفسیر: «علم به نزول آیات و اسباب نزول و آیات مکی و مدنی، محکم و متشابه، ناسخ و منسوخ، عام و خاص، مطلق و مقید، حلال و حرام، وعده و وعید، امر و نهی، قصص قرآن، عبرت ها و امثال آیات می باشد. (سیوطی، ج ۲، ص ۱۷۴)

۳- مفهوم شناسی روش تفسیری

۳-۱- معنای لغوی روش تفسیری

منهج تفسیری در لغت به معنای راه و روش آشکار کردن و پرده برداری از حقایق است.

۳-۲- معنای اصطلاحی روش تفسیری

منهج تفسیری شیوه روشن و منظمی است که مفسر برای تبیین و کشف معانی کتاب الهی مطابق با افکار صحیح، آن را طی می کند. (علوی مهر، ص ۲۶)

۳-۳- روش تفسیر قرآن به قرآن

این شیوه تفسیری عبارت است از توضیح و کشف آیه ای به وسیله آیات هم لفظ و هم محتوا، توضیح این که تا آن جا که آیات می تواند روشنگر آیه ای باشد نوبت به دیگر منابع نمی رسد. آغاز و چشم انداز تفسیر هر آیه باید آیات قرآن باشد نه این که زمینه فهم آیه را از آغاز با شأن نزول آماده نموده و پس از آن به سراغ آیات برویم بلکه زمینه فهم آیات را با خود

آیات فراهم نمود، دانشمندان زیادی طرفدار این روش می‌باشند. از طرفداران این نظریه می‌توان، «ابن تیمیه»، «ابن کثیر»، «بدرالدین زرکشی»، «علامه طباطبایی»، «محمدجواد بلاغی صاحب تفسیر آلاء الرحمن»، «دکتر صادقی صاحب تفسیر الفرقان»، «محمدامین مالکی» و... نام برد. «زرکشی» می‌نویسد: «... بهترین تفسیر این است که قرآن به وسیله قرآن تفسیر شود، چراکه این کتاب الهی اگر در جایی به اجمال سخن گفته‌است، جای دیگر به تفصیل آن پرداخته و نیز در جایی که به اختصار بیان کرده‌است، جای دیگر (آیه‌ای دیگر) به شرح و بسط آن پرداخته‌است. آری اگر تفسیر قرآن در خود قرآن یافت نشد به سراغ سنت می‌رویم». (زرکشی، ج ۲، ص ۱۷۵)

«ابن کثیر» در این باره می‌نویسد: «در آغاز باید به سراغ خود قرآن رفت و تفسیر آن را از همان به دست آورد و اگر ممکن نشد از دیگر منابع استفاده شود». (ابن کثیر دمشقی، ج ۱) «علامه طباطبایی» در این باره می‌نویسد: «قرآن خود گویای مفاهیم و معارف خود می‌باشد و برای فهم و درک آیات بهترین راه خود قرآن است. و ما برای فهم آیات ممکن است یکی از این سه شیوه را برگزینیم:

الف. از مقدمات علمی و فلسفی برای فهم قرآن استفاده کنیم و مطالب علمی را بر قرآن تحمیل نماییم به گونه‌ای که بگوییم قرآن این دیدگاه را دارد.

ب. با استفاده از روایات به تفسیر قرآن بپردازیم.

ج. با استفاده از خود قرآن آیات را تفسیر کنیم، بدین معنا که با تدبر و دقت در آیات دیگر، مفاهیم و مصادیق آیه‌ای را روشن می‌کنیم.

شیوه نخست «تطبیق» است، نه تفسیر و در نهایت نیز منجر به «تفسیر به رأی» می‌شود. شیوه دوم یعنی تفسیر روایی نیز با ضعف و مشکل روبه‌رو است، چرا که برخی از روایات جعلی، یا معروف به اسرائیلیات هستند که نمی‌توان به آنها اعتماد نمود و برای یافتن حقایق قرآنی از آن‌ها بهره جست، در نتیجه شیوه سوم، بهترین روش برای تفسیر قرآن است، و پیامبر ﷺ و ائمه اطهار علیهم‌السلام نیز طبق همین شیوه قرآن را تفسیر می‌نمودند. (طباطبایی، ص ۸۷)

۴- اقسام گرایش‌های تفسیری

یکی از مباحث مهم در مکاتب و روش‌های تفسیری، گرایش‌ها یا اتجاهات تفسیری است. گرایش‌های تفسیری، ویژگی‌ها و خصایص فکری یک مفسر است که پیش فرض‌ها و تراوش‌های فکری خود را در تفسیر اعمال می‌کند و این باعث می‌شود تا تفاسیر از یکدیگر متمایز شوند. در قسمت به دوگرایش ادبی و اجتماعی تفسیری اشاره می‌شود:

۴-۱- گرایش ادبی

گرایش ادبی تفسیر قرآن به سه شیوه مهم، تفسیر بیانی، تفسیر لغوی و هرمنوتیک، تقسیم می‌شود که به شرح هر کدام می‌پردازیم:

۴-۱-۱- تفسیر بیانی

تفسیر بیانی، شیوه‌ای است که با توجه به بلاغت و فصاحت قرآن به تفسیر آیات پرداخته می‌شود، بلاغت شامل تشبیه، استعاره، کنایه، تمثیل، فصل و وصل، استعمال حقیقی و مجازی، استدراک لفظی، استجلاء صورت، تقویم بنیه، تحقیق در علاقات لفظی و معنوی، کشف دلالات حالی و مقالی و ... می‌شود. (علوی مهر، ص ۲۵۵)

شیوه بیانی قرآن از دو جهت قابل بحث است:

۱. جنبه معنوی (تأثیر و تأثر قرآنی) (دراسة ما حول القرآن)؛

۲. جنبه ظواهر الفاظ قرآن، مفردات و ترکیب آیات (دراسة ما فی القرآن). (ایازی، ص ۴۲)

۴-۱-۲- تفسیر لغو

تفسیر لغوی که نوعی از گرایش ادبی است، شیوه‌ای است که مفسر به بررسی همه جانبه لغات و واژگان آیات اهمیت داده و مفردات الفاظ قرآن و معانی گوناگون هر لغت، و ریشه و اصل هر لفظ را روشن می‌کند، اگرچه این روش بررسی ترکیب و هیئت جمله‌ها را نیز در بر دارد که شامل لغت، نحو، صرف، حجت و قرائات می‌شود که مفسر با استفاده از این

علوم به بررسی نص و آیات قرآنی می‌پردازد. تأثیر و نقش فراوان ادبیات در میان سایر علوم انگیزه‌ای شده است تا بسیاری از ارباب ادب، قرآن را از این زاویه مورد بررسی قرار داده و آیات را با این شیوه تفسیر کنند. (علوی مهر، ص ۲۶۶)

۴-۱-۳- تفسیر قرآن و هرمنوتیک

واژه هرمنوتیک از فعل یونانی هرمنواین به معنای «تفسیر کردن» اشتقاق یافته‌است برخی معتقدند در اصل یونانی بوده به معنای «روشن شدن و پرده برداشتن» و معادل واژه تفسیر در عربی است. روش تفسیر هرمنوتیک قرآن که ندای آن از غرب برخاسته شد، پیش از انتقال به زبان فارسی نخست در آثار عربی توسط استادان زبان عربی مطرح گردید و سپس به طور ناقص و نارسا به آثار فارسی انتقال یافت. در روش هرمنوتیک هر نظریه‌ای که از نص قرآنی بدست‌آید حق و واقع است و دین و اسلام واقعی نیست و مفهوم دین یک امر تاریخی است و قابل تسری به زمان‌های بعد نیست به عبارت دیگر یکی از مبانی زبان‌شناسی هرمنوتیک، تاریخی بودن متون دینی؛ به ویژه آیات قرآن کریم است که مربوط به زمان و شرایط خاص خود می‌باشد و تازمانی که به عنوان دین مطرح است به شکلی که قاعده کلی، نمی‌تواند قابل انطباق بر زمان و شرایط مختلف باشد. (علوی مهر، ص ۲۹۵).

۵- زندگی‌نامه مفسر و معرفی کتاب تفسیر هدایت

در این قسمت اشاره‌ای به زندگی نامه سید محمد تقی مدرسی خواهیم داشت و نیز به معرفی کتاب تفسیر من هدی القرآن نوشته ایشان و ویژگی‌های این کتاب خواهیم پرداخت:

در جریان تفسیرنگاری و بازشناسی تحولات مربوط به آن قرن چهاردهم از ویژگی بلند و جایگاهی رفیع برخوردار است و این قرن از نظر شمار تفسیرهای نگاشته شده سرآمد قرن‌های گذشته است. دیدگاه‌های گوناگون، شیوه‌های نوین، معیارهای جدید و در مجموع، جهت خاصی که در کل حرکت تفسیری دیده می‌شود، در دامان این قرن پدید آمده و بالیده است و از جمله تفاسیر که در قرن اخیر به زیور طبع در آمده، تفسیر «من هدی القرآن» است که حاصل سال‌ها تلاش و تعمق و تفکر مفسر گران‌قدر آیت الله سید محمد تقی مدرسی است. وی از اندیشمندان و محققان و نویسندگان شیعه مذهب عصر حاضر است که در شهر مقدس کربلا به سال ۱۳۶۶ ق در خانه علم و فقاقت چشم به جهان گشود، پس از سپری کردن دوران کودکی به فراگیری علوم دینی پرداخت و از محضر علمایی چون پدرش آیت‌الله سید محمد کاظم مدرسی، آیت‌الله سید حسن شیرازی، آیت‌الله شیخ محمد کلباسی و آیت‌الله شیخ یوسف خراسانی بهره برد و تنها به علوم دینی اکتفا نکرد، بلکه به فراگیری علوم و دانش‌های دیگر نیز اهتمام ورزید. این مفسر دارای اندیشه و نظر گاه در زمینه علوم انسانی و فلسفه و عرفان و نقد فرهنگ غربی است و تحقیقات و پژوهش‌ها و مقالات فراوانی از وی در مجلات عربی در عراق و ایران و لبنان چاپ و منتشر گردیده‌است. او برای اصلاح حوزه‌های علمیه از راه سازماندهی و برنامه‌ریزی‌های جدید به تناسب و اقتضای نیازهای روز گام برداشت. وی در کنار تدریس به دیگر فعالیت‌های فرهنگی در زمینه‌های گوناگون از جمله تحقیق و تألیف پرداخته‌است و تاکنون بیش از پنجاه جلد کتاب از ایشان در زمینه‌های گوناگون چاپ و منتشر گردیده‌است که از آن جمله تفسیر قرآن «من هدی القرآن» است که در ۱۸ مجلد برای نخستین بار در سال ۱۴۰۵ از سوی انتشارات دارالهدی به گونه‌ای زیبا و جذاب، چاپ و منتشر شده و در سال ۱۳۷۷ ه.ش از سوی بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی از سوی چهار مترجم گرانقدر، شادروان احمد آرام، آقای دکتر عبدالمحمد آیتی، آقای پرویز اتابکی و آقای دکتر جعفر شعار با عنوان «تفسیر هدایت» چاپ و منتشر گردیده‌است.

۵-۱- معرفی تفسیر از زبان نویسنده

به تفسیر قرآن کریم، در خانه ای از خانه‌های خدا، در روز شنبه ۱/۴/۱۳۹۸ هجری قمری، ۱۱/۳/۱۹۷۸ میلادی در شهر کویت آغاز می‌کنم، و برای اتمام آن بر خدای بزرگ توکل دارم. در نوشتن این تفسیر بر روش تفکر مستقیم، یعنی روش الهام گرفتن بی‌واسطه از آیات و رجوع کردن به خود قرآن در آن جا که فهم آیات با دشواری مواجه شود، بر

طبق برنامه‌ای که پیامبر بزرگوار اسلام ﷺ و امامان اهل بیت علیهم‌السلام در تفسیر پاره‌ای از قرآن به پاره دیگر آن اشاره فرموده‌اند، متکی خواهیم بود. و در آن کوشش خواهیم کرد که واقعیت‌های جاری را به آیات قرآن ارتباط دهیم که هدف از تفسیر قرآن نیز همین است. آیا قرآن هم چون خورشید فروزنده نیست که هر روز با تابشی تازه بر جهانی نو نورافشانی می‌کند؟ مدعی آن نیستیم که در این جا معانی سخن خدا را به صورت کامل بیان خواهیم کرد، بلکه در آن می‌کوشیم که تنها بینش‌ها و بصیرت‌هایی را که شخصاً در ضمن تدبّر در قرآن بدان‌ها دست یافته‌ام، بر روی کاغذ بیاورم. و نقشی را که برادران حاضر در درس تفسیر من در تبلور اندیشه‌ها و افکارم داشته‌اند، هرگز فراموش نخواهم کرد. واللّٰه الموفق وعلیه التّوکل.

این چیزی بود که بیش از شش سال پیش آن را قلمی کرده‌بودم، ولی اکنون تدبّر در تمام قرآن را به پایان رسانیده و خلاصه افکاری را که از تدبّر در این تفسیر الهام گرفته بودم به ثبت رسانیده‌ام، و این کار در دو مرحله صورت‌پذیر شده است:

الف: از آغاز قرآن تا سوره النحل تفسیر را به دست خود می‌نوشتیم، بدین گونه که به مسجد یا جایگاه آرام‌بخشی پناه می‌بردیم، و همراه با خودم قرآن و قلم و کاغذ، و چه بسا غم‌های فراوان مخصوص به امت را نیز می‌داشتیم، و همچون شاگردی در برابر کتاب پروردگارم می‌نشستم و به تلاوت دسته‌ای از آیات وابسته به یکدیگر و تدبّر کردن در معانی و مفاهیم آن‌ها می‌پرداختم. و در آن هنگام که هوش و درایت من برای فهم ابعاد آیه کریمه‌ای کافی نمی‌نمود، از خداوند سبحان درخواست مدد می‌کردم، و سپس نخست خلاصه افکار آشکار شده را ثبت می‌کردم، و بعد از آن به تدبّر در آیه آیه می‌پرداختم و تأملات خویش را با تفصیلی بیشتر به نگارش درمی‌آوردیم. گاه چنان بود که افکار گوناگون با یکدیگر تزامم پیدا می‌کرد و خود را از ثبت کردن آن‌ها ناتوان می‌یافتیم، و به همین جهت بعضی از آن‌ها را که متناسب با روشم و جزئیاتی برگزیده برای این تفسیر بود انتخاب می‌کردم، و از بازمانده آن‌ها در گفتارهای عمومی خویش و در نوشته‌های دیگر بهره می‌گرفتم. و هر روز تنها به نوشتن یک درس اکتفاء می‌کردم:

نخست: بدان جهت که کارهایم بیش از این فرصت برایم باقی نمی‌گذاشت.

دوم: بیم آن داشتم که تأملات و تفکراتم سست شود.

ب: و پس از سه سال احساس کردم که باید در کار پایان دادن به این تفسیر تسریع کنم، و بیم آن داشتم که خدای ناخواسته توفیق اتمام آن را پیدا نکنم.

به همین جهت روش تدریس درس‌هایی در تفسیر را پیش گرفتم که بر نوار ثبت می‌شد و سپس به صورت نوشته درمی‌آمد و گاه تغییراتی در آن صورت می‌گرفت که با روش تألیف سازگارتر شود. بدین گونه با تأیید خداوند سبحان هو تعالی این فرصت فراهم شد که تفسیر از سوره النحل تا آخر قرآن با همین روش به پیش برود. و فایده این کار، علاوه بر ایجاد سرعت در کار، به وجود آمدن کتابخانه‌ای صوتی در تفسیر قرآن بود، و بیش از پانصد نوار کاست در تفسیر خلاصه‌ای برای همه آیات قرآن مجید فراهم آمد و به فضل خدا در کشورهای اسلامی انتشار یافت». (مدرسی، ج ۱).

ایشان انگیزه خود را از نگارش تفسیر «هدایت» خلأ دو بعد مهم در دیگر تفاسیر ذکر می‌کند.

نخست: گستردگی فاصله میان تفسیرهای نوشته شده و واقعیت زندگی امت از آن روی که بیشتر مفسران، جز معدودی از ایشان، هدفشان مورد توضیح قرار دادن کلمات قرآن بوده است و نه تطبیق آن بر حقایق زمان و به همین سبب اهتمام بیشتری به تأویل قرآن و روشن کردن واقعیت‌ها با نور آن به خرج داده‌اند، در صورتی که هدف برتر آیات یادآوری کردن خدا و روز دیگر به انسان و سپس نمایاندن نفس و واقعیت آن به او است تا چنان شود که بتواند به صورتی بهتر و شریف‌تر زندگی کند و شاید اوضاع و احوال سیاسی برای اغلب مفسران و بسته بودن محیط اجتماعی آنان مانع آن بوده است که به اینکار بپردازند. در آن کوشیدم تا این جای خالی را تا حدی در خلال تفسیر و سخنرانی‌ها پر کنم و در آن به بحث بپردازم.

دوم: وجود فاصله و گودالی میان تفسیرها و احادیث مأثور از پیامبر و اهل بیت علیهم السلام مگر آن جا که مستقیماً به تفسیر آیه کریمه مربوط می‌شود، با علم به این که همه احادیث پیامبر و اهل بیت در واقع تفسیری از قرآن است و بنابراین چیزی جز انعکاس نور و وحی بر قلب‌های ایشان نیست و به همین سبب لازم است برنامه تازه‌ای برای تفسیر از طریق این مجموعه بزرگ روایت و طرح‌ریزی کنیم، ولی چگونه؟ از طریق حذف کردن قید لفظ و معطوف داشتن توجه به معانی، پس هنگامی که از آیه کریمه حقیقتی را الهام گرفتیم، در نصوص به دنبال تبصره‌های توضیحی برای آن به جست و جو برمی‌خیزیم و آن‌ها را در تفسیر این آیه برای تکامل معنی ثبت می‌کنیم... مثلاً، هنگامی که درباره آیه‌ای بحث می‌کنیم که بصیرت و بینشی به ما درباره علم و علما می‌دهد، در توضیح و تفسیر آن نص‌هایی را که در پیرامون علم آمده، با صرف نظر کردن از این که مربوط به این آیه باشد یا نه، ثبت می‌کنیم. بدان سبب که آن نیز تفسیری از آیه است، خواه در آن ذکر شده باشد یا نه...

دعاهای به جا مانده‌ای که به حق گنجینه‌های معارف اسلامی و در نتیجه درخشش‌هایی از نور وحی است. بر زبان بزرگان عرفای مبارک یعنی پیامبر و اهل بیت او علیهم السلام جاری شده‌است آیا شایسته نیست که از آن‌ها تفسیر آیات معرفتی که نیمی از قرآن یا بیش از آن است بهره‌برداری کنیم؟

همه این‌ها من و برادران را به تأسیس «دارالهدی» برانگیخت که هدف آن تألیف تفسیر گسترده‌ای متکی بر احادیث مأثور طبق برنامه یادشده (اهتمام و توجه به معانی) باشد». (مدرسی، ج ۸، ص ۴۴۱ و ۴۴۲).

آیت‌الله مدرسی در آغاز و پایان تفسیر در مقدمه و مؤخره‌ای در این تفسیر به روش تفسیر و منابع و مآخذ آن می‌پردازد. آن‌گاه برابر شیوه معمول بیشتر مفسران که در آغاز تفسیر، برخی از مباحث علوم قرآنی را یادآور می‌شوند به بحث و بررسی مختصر درباره بعضی از آن مباحث در ۶۳ صفحه می‌پردازد، آن هم از زاویه نو و ابتکاری که سر فصل مباحث علوم قرآنی و تمهیدی و مقدماتی مطرح‌شده در این بخش بدین ترتیب است: قرآن چیست؟ و چرا فهم بشر از احاطه به ابعاد قرآن حکیم ناتوان است؟ قرآن و تفسیر به رأی، قرآن در میان ترکیه و تعلیم، قرآن میان ظاهر و باطن و میان محکم و متشابه، معنی حروف هفتگانه در قرآن و چگونگی اثبات معانی قرآن، چگونگی تدبر در قرآن.

ایشان به اختصار درباره هر یک از مباحث یادشده مطالبی را مطرح و دیدگاه خود را درباره آن بیان داشته و همچنین مباحث مهم علوم قرآنی را به جز مقدمه در ضمن تفسیر آیات قرآنی مطرح نموده‌است. پس از مقدمه تفسیر و مباحث علوم قرآنی، تفسیر آیات آغاز گردیده و از ابتدای قرآن تا پایان آن به ترتیب سوره‌ها، آیات هر سوره به چندین بخش تقسیم گردیده و نکته‌های گوناگون تفسیری آن بازگو شده است. مفسر و قرآن پژوه معاصر، آیت‌الله مدرسی، در آغاز تمامی سوره‌ها، فضیلت هر سوره و عظمت، شأن و قرائت سوره را با استفاده از احادیث و روایات معصومین علیهم السلام بر می‌شمارد تا خواننده با ذوق و شوق بیشتر به تلاوت و تأمل آن بپردازد و در رویکرد به آن ترغیب و تشویق شود. سپس مضامین و درونمایه هر سوره را به کوتاهی با عنوان «زمینه کلی سوره» بیان کرده که در واقع چشم‌اندازی کلی به سوره دارد و به طور اجمال تصویری از کل سوره برای خواننده ترسیم می‌کند تا خواننده بتواند به یک جمع‌بندی کلی در مورد سوره دست یابد. وی، هر سوره‌ای را همچون دیگر مفسران، به چند بخش تقسیم کرده و برای هر بخش از آیات، موارد گوناگونی را بیان کرده که تمامی آن موارد در راستای شرح تفسیر و کشف و پرده‌برداری از آیات قرآن است و این شیوه در سرتاسر تفسیر و در تمامی بخش‌های گوناگون آیات پیاده شده، که بدین ترتیب است:

۵-۲- معنای واژه، رهنمودهایی از آیات و شرح آیات

اینک به اختصار درباره هر یک از عناوین بالا که در سر تا سر تفسیر، مشحون و مشهود است و در حقیقت شیوه اصلی مفسر در فهم و تفسیر آیات است، مطالبی را یادآور می‌شویم:

۵-۲-۱- لغات و واژگان آیات

اولین بخشی که در سرآغاز تفسیر آیات نظر را جلب می‌کند، شرح لغات آیات است که مفسر کلماتی از قرآن، اسم، فعل را که نیاز به شرح کوتاهی داشته، آورده و به توضیح آن پرداخته‌است و در شرح و بسط واژگان تا آن جا پیش می‌رود که

خواننده را در فهم و درک آیات یاری دهد. این فصل از تفسیر بسیار سودمند است، زیرا خواننده پیش از ورود در تفسیر آیات، با مفردات و شرح لغات آن آشنا می‌شود و سپس به مطالعه تفسیر آیات می‌پردازد. مآخذ و منابع مفسر در این بخش آن گونه که پیداست بیشتر مجمع البیان و در مواردی مفردات راغب اصفهانی بوده است.

۵-۲-۲- رهنمودهایی از آیات

شیوه مفسر در طرح مطالب و ورود به تفسیر این گونه است که پس از ذکر دسته‌ای از آیات و شرح لغات آن به پیام‌هایی که در درون آیات پروردگار نهفته است اشاره می‌کند و استنباط و برداشت کلی خود را بیان می‌دارد و این بخش تحت عنوان «رهنمودهایی از آیات» آمده است که از مهمترین ویژگی‌های این تفسیر همین رهنمودها و پیام‌های کلی آیات و برداشت‌ها و استنباط‌های خاص مؤلف است. هدف اصلی و اساسی در این جریان، روشن‌گری محورهای مهم و ایجاد فضای مناسب در فهم آیات قرآن با ملاحظه پیوستگی و ارتباط متقابل آن‌ها از نظر محتوایی است. در واقع مفسر به روح کلی حاکم بر آیات و فضای موجود نیز پرداخته‌است.

۵-۲-۳- تفسیر آیات

این بخش از تفسیر که در حقیقت قلب تفسیر و بیانگر مقصود و منظور آیات است و در کل تفسیر در ذیل هر بخشی از آیات وارد شده‌است و ضمن شرح و توضیح آیات هر قسمت آیات با توجه به موضوعی که در آن محوریت دارد عنوان‌گذاری شده‌است. مثلاً در جلد ۱ صفحه ۱۲۷ تحت عنوان «شخصیت انسانی چگونه می‌باید باشد» به تفسیر آیات مربوط به خلقت انسان دست زده‌است و در تفسیر آیات ۶۲-۴۹ سوره بقره عنوان «نقش رسالت‌های خدا در ساخته شدن تمدن‌ها» را برگزیده است. (فعال عراقی، مجله گلستان قرآن. ش ۴۳)

۶-روش تفسیر، تفسیر هدایت

۶-۱- تفسیر قرآن به قرآن

مفسر و قرآن‌پژوه معاصر در شیوه تفسیرنگاری احیاگر روشن تفسیری ائمه علیهم‌السلام است، یعنی «تفسیر قرآن به قرآن» در واقع مفسر محترم حدیث «القرآن یفسر بعضه بعضاً» را سرلوحه روش تفسیری خود قرار داده‌است، زیرا پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و ائمه در تفسیر و تبیین آیات الهی این روش را معمول می‌داشتند، انگیزه روی‌آوری به روش تفسیر قرآن به قرآن توجه به پیوند و ارتباط سیستمی آیات از نظر محتواست و آن چه به این تفسیر، عظمت بخشیده و بر برجستگی آن افزوده بهره‌مندی گسترده مفسر از این شیوه است و حل بسیاری از مشکلات تفسیری در پرتو این نگرش ژرف که مؤلف در مقدمه تفسیر درباره روش تفسیری خود چنین نگاشته‌اند:

«در نوشتن این تفسیر بر روش تفکر مستقیم، یعنی روش الهام گرفتن بی‌واسطه از آیات و رجوع کردن به خود قرآن در آنچه که فهم آیات با دشواری مواجه شود. برطبق برنامه‌ای که پیامبر بزرگوار اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و امامان اهل بیت علیهم‌السلام در تفسیر پاره‌ای از قرآن به پاره دیگر آن اشاره فرموده‌اند، متکی خواهیم بود». (مدرسی، ج ۱، ص ۱۵)

مؤلف سپس علت اخذ این شیوه را این گونه بازگو می‌کند: «سبب انتخاب این روش آن بوده است که می‌ترسم از این طریق میان خودم و قرآن حجابی از کلام بشر کشیده شود». (همان)

۶-۲- بهره از روایات و احادیث

چنان چه اشاره شد، شیوه «تفسیر هدایت» شیوه تفسیر قرآن به قرآن است، اما این ویژگی هرگز مفسر را از نگرستن عالمانه و ژرف کاوانه به روایات و سنت معصومین باز نداشته است. بدین سان، یکی از دیگر ویژگی‌های قابل توجه در تفسیر هدایت اهتمام گسترده به نقل احادیث صحیح از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و ائمه معصومین علیهم‌السلام است که احادیث و روایات یا از دیگر تفاسیر با ذکر منبع نقل شده و یا از کتب روایات و احادیث چون بحارالانوار و ... اگر به تفاسیر گذشته مراجعه کنیم درمی‌یابیم که بخش زیادی از آن تفاسیر را روایات تشکیل داده که حرکت تفسیر ماثور را در گذشته شکل داده و بدان نمود بخشیده‌اند. اما در این تفسیر محور بودن روایات در فهم آیات مورد تأکید قرار گرفته‌است و صاحب تفسیر در

بهره‌گیری از روایات راه اعتدال را پیش گرفته‌است. «در نقل روایات، به قدر ضرورت اکتفا شده و از آن‌چه مایه سرگردانی خواننده‌است، پرهیز گردیده‌است». (همان، ص ۱۰).

۷- ویژگی‌های تفسیر هدایت

۷-۱- توجه به ابعاد اجتماعی و تربیتی آیات

امتیاز این شیوه تفسیری در دوران معاصر در آن‌است که رنگی نو به خودگرفته؛ با چهره فرهنگ و ادب معاصر و با پرداختن به مسائل جامعه درخشیده‌است و هرگز تقلیدگونه به مسائل ظاهری و خسته‌کننده که موجب دوری مردم از قرآن می‌شود نپرداخته‌است این نوع تفسیر پدیده‌ای نوظهور است که نخست به اظهار دقایق تعبیرقرآنی و سپس بیان آن‌ها با اسلوبی زیبا و ادبی و تطبیق آن‌ها با هستی و حیات و سنن اجتماعی موجود در جامعه پرداخته‌است. یعنی توجه به ابعاد اجتماعی و تربیتی آیات است و این تفسیر به روش تحلیلی و تربیتی تألیف‌یافته و به مسائل اجتماعی تأکید شده و مفسر به نیازها و پرسش‌های جدید عصر توجه داشته و به‌گونه‌ای به مناسبت تفسیر آیات مطرح ساخته‌است. نویسنده معتقد است که می‌توان «مشکلات اجتماعی و زندگی را در پرتو قرآن برطرف کرد» (همان، ص ۱۱) و در سایه قرآن به یک جامعه ایده‌آل و مطلوب دست‌یافت و قرآن پاسخگوی همه نیازهای انسان و برطرف‌کننده همه موانع و مشکلات سر راه بشریت است. در واقع سیر تفسیر به سمت روشن‌گری و تحلیل آیات به لحاظ پیامدهای اصلاحی آن در ابعاد اجتماعی و اخلاقی است. از این رو بحث‌های فراوانی را در زمینه مسائل روز در حوزه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، اخلاقی و روانشناسی و ... مطرح کرده‌است و ضمن شرح و تفسیر آیات به تناسب آیاتی که از مسایل روز در ابعاد فوق بیان کرده و بین قرآن و واقعیت‌های محسوس زندگی بشر پیوند زده‌است. برای مثال در کنار شرح و تفسیر آیه ۸ و ۹ سوره تکویر، ضمن اشاره به زنده به گور کردن دختران در دوران جاهلیت به این مسأله اجتماعی در دنیای امروز نیز اشاره می‌کند و یادآور می‌شود که هنوز هم در دنیا به شکل دیگر ما شاهد چنین جنایاتی هستیم و طبق آماری ثابت می‌کند که هنوز این اندیشه غلط در برخی جوامع ریشه‌اش خشک نگردیده‌است. (همان، ج ۱۷، ص ۳۵۵-۳۶۵)

۷-۲- مهر بطلان بر اسرائیلیات

وجود اسرائیلیات در منابع تفسیری به ویژه آثار و اخبار مربوط به امت‌های پیشین و قصه‌های پیامبران و داستان آفرینش آسمان و زمین و خلقت آسمان از جمله مشکلات جدی تفسیرنگاری است و با نگاهی گذرا به برخی تفاسیر روزگاران پیشین درمی‌یابیم که مفسران‌شان در گرداب اسرائیلیات افتاده‌اند و تا چه حد نقل‌هایی تاریخی اسرائیلی در درون این تفاسیر رخنه کرده‌است، درحالی‌که در تفاسیر معاصر نه تنها دیگر ردپایی از اسرائیلیات نمی‌بینیم، بلکه غالب مفسران این دوره خط بطلان بر اسرائیلیات کشیده و بی‌اعتباری آن‌ها را به قرآن پژوهان گوشزد نموده‌اند، از جمله تفاسیری که مهر ابطال را بر پای این داستان‌های ساختگی زده‌اند علاوه بر تفاسیری چون المیزان، نمونه، و ... می‌توان از تفسیر هدایت نیز نام برد. از جمله آثار فریفته نشدن این مکتب تفسیری به روایات اسرائیلی و احادیث جعلی این است که به محدوده‌ی ابهامات قرآنی وارد نشده‌است؛ ابهاماتی از قبیل حروف مقطعه و بعضی الفاظ مبهم قرآنی این تفسیر همچنین به امور غیبی که جز از طریق احادیث صحیح قابل شناخت نیستند وارد نمی‌شود بلکه ایمان به آن‌ها را از آن جهت که در قرآن به آن‌ها تصریح شده به طور اجمال و سربسته واجب می‌داند و از وارد شدن به جزئیات مسائلی مانند زندگی برزخی؛ بهشت؛ جهنم؛ و نظایر آن خودداری می‌کند این طرز تفکر صحیحی است زیرا در برابر این‌گونه مبهمات قرآنی که خداوند خود آن‌ها را با ابهام رها کرده‌است دیوار بلندی می‌کشد و مانع نفوذ خرافات و مطالب غیرواقعی و جعلی به محدوده‌ی آن‌ها می‌گردد زیرا هدف بیان قرآن به بازشدن این مبهمات بستگی ندارد اگر بستگی داشت خود بیان می‌کرد. (معرفت، ج ۲، ص ۵۰۰) این تفسیر «در نقل داستان‌ها و قصص قرآنی به نکات مستفاد از خود قرآن اکتفا گردیده و به نقل تاریخ و قصه نپرداخته‌است و قهراً از نقل روایات اسرائیلی شایع در ذیل قصه‌های قرآن احتراز جسته‌است (مدرسی، ج ۱، ص ۱۰) و اگر نویسنده به نقل روایات اسرائیلی پرداخته در کنار نقل به نقد آن نیز

مبادرت ورزیده است از جمله داستان ساختگی داوود علیه السلام و زنا و ریا را آورده و ضمن نقل داستان به نقد آن نیز پرداخته است و می‌نویسد: «این رأی و نظر [داستان ساختگی داوود علیه السلام و زنا و ریا] به بسیاری از تفسیرهای ما راه یافته» (همان، ج ۱، ص ۳۳۵).

۷-۳- ساده‌نویسی

از دیگر امتیازات این تفسیر ساده‌نویسی و دوری از پیچیدگی است، زیرا تنها فهمیدن آیات هدف مفسر نبوده، بلکه فهماندن و خشنودی مخاطبان به ویژه نسل جوان نیز مدنظر بوده است. ویژگی این شیوهی تفسیری این است که: در آن به دور از هرگونه تعصب افراطی به قرآن نگریسته می‌شود و سعی بر آن است که مفاهیم قرآن آن‌گونه که هست بر مردم عرضه شود نه آن‌که قرآن را به دنبال هوس‌ها و خواسته‌های گروهی خاص بکشاند. لذا تفسیر با این روش از هرگونه تکلف و ضعف عاری و به رسا بودن و رساندن پیام‌های قرآنی بدون آرایش آراسته است. (معرفت، ج ۲، ص ۵۰۰) اما این تفسیر همانند هر تفسیر دیگری دارای برجستگی‌ها و عیوبی است که شاید بتوان آن‌ها را مورد بحث قرار داد که در زیر به چند نکته در این مورد اشاره می‌کنیم:

۷-۳-۱- برجستگی‌های تفسیر

- ۱: در کیفیت تألیف آن روش خاص و ابتکاری دیده می‌شود. مطالب بسیار ساده و دلنشین در عین حال، منظم و منضبط است. عربی آن نیز روان، امروزی و قابل فهم برای همه عربی‌دانان (چه حوزوی و چه غیر آن)
- ۲: سعی شده مطالب تفسیری دیگران، تکرار نشود و آراء و اقوال مفسرین را بیان نمی‌دارد.
- ۳: از روش تحلیل نفسی و کاوش روانی در ابراز جنبه‌های تربیتی قرآن، بهره برده است
- ۴: سعی در ایجاد پیوند محکم میان آیات قرآنی و واقعیت موجود و اوضاع فرهنگی و اجتماعی و سیاسی امت اسلامی معاصر، دارد. تأکید مکرر بر مسئولیت انسان در برابر اعمال خویش و دعوت بر پذیرش مسئولیت وی دارد. به این وسیله سعی در مطرح کردن دردهای فردی و اجتماعی انسان امروز و معالجه قرآنی آنان را دارد.

۷-۳-۲- نقد تفسیر هدایت

نقدی که به این تفسیر وارد است این است که به موضوعات به صورت تخصصی نپرداخته است و از بسیاری از موارد با اجمال در پاسخ گذشته است. این باعث شود در موضعی که پاسخی ارائه کرده است خواننده را قانع نکند و نسبت به نیازها و پرسش‌هایی که الان در مسائل مختلف اجتماعی، بحث‌های سیاسی، بحث‌های اقتصادی، مباحثی که مربوط به حقوق بین‌الملل و حقوق جزا و امثال این‌ها مطرح است شاید پاسخ‌های ایشان نتواند قانع‌کننده باشد. بنابراین یکی از نقصان‌های این تفسیر این است که به اختصار به مطالب پرداخته است و مطالب به نحو کافی و وافی پاسخگوی کامل برای پرسش‌های موجود در دوران ما شاید نباشد، هر چند به عنوان کمک خیلی می‌توانیم از آن استفاده کنیم. و به خاطر زبان ساده و روان آن بسیار دسترسی به آن آسان است اما از این نقص تفسیر نیز نمی‌توان چشم‌پوشی کرد.

۸- نمونه‌ای از تفسیر هدایت

۸-۱- سوره الکوثر

۸-۱-۱- فضیلت سوره

در کتاب «ثواب الاعمال» با اسناد آن به ابو عبدالله علیه السلام آمده است که گفت: «هر کس «إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ» را در نمازهای واجب و مستحب بخواند، خدا در روز قیامت از آب کوثر به او می‌نوشاند، و از آن در نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله در زیر درخت طوبا سخن می‌گوید».

۸-۱-۲- زمینه کلی سوره

قرآن در سه آیه کوتاه از شناخت‌هایی ربّانی سخن می‌گوید که در سوره‌های مفصل آن‌ها را بیان کرده است، و این آیات روی هم رفته معجزه‌ای در حکمت و خطاب است. پس این قرآن، و آن نیکوکارانی که در پی یکدیگر حاملان آن هستند، و آن امتی که خدا آن را با قرآن و عترت برکت بخشیده، همه کوثری است که خدا به برگزیده بزرگوار خود

محمد بن عبدالله ﷺ بخشیده است، و هر کس که مالک این ادامه و پیوستگی میمون و مبارک باشد، چگونه می‌توان گفت که بلا عقب و دم بریده است؟

ابتر آن کس است که از محمد ﷺ بدگویی می‌کند، و حسب و نسب او بریده و جاهلیت او نابود شده، به همان گونه که تاریکی شب با دمیدن صبح نابود می‌شود. برای سپاس‌گزاری از نعمت کوثر و خواستار افزون شدن آن، فرستاده خدا در برابر پروردگار خویش نماز می‌گزارد و قربانی می‌کند، و ما نیز نماز می‌گزاریم و قربانی می‌کنیم. (مدرسی، ج ۱۸، ص ۳۶۲ و ۳۶۱)

۸-۱-۳- قرائت سورة الكوثر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ (۱)

فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَ انْحَرْ (۲)

إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ (۳)

۸-۱-۴- شرح آیات

[۱] خدا به فرستاده خود کوثر را بخشید که خیری بزرگ است و آن را رحمتی اهدا شده به همه جهانیان و وسیله رسیدن برکات خدا به مؤمنان قرار داد.

«إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ» ما به تو کوثر را بخشیدیم.

گفته‌اند که: کوثر مشتق از کثیر است، به همان گونه که نوفل مشتق از نفل و جوهر مشتق از جهر است، و بدین گونه اعراب از هر چیز کثیر و بسیار در کمیت، و بزرگ در تنوع با لفظ کوثر یاد می‌کند. در تأویل کلمه کوثر گفته‌ها فراوان است و جامع آن‌ها این گفته است که: خدا به پیامبر خود خیر فراوان بخشیده است که همه میدان‌های خیر و ابعاد زندگی او را فرا می‌گیرد: از رسالت مبارک تا ذریه پاکیزه و امت گواه و نام نیکو و شفاعت کردن در نزد خدا و حوضی که از مهمانان پروردگار پیش از درآمدن ایشان به بهشت در کنار آن پذیرایی می‌شود. ولی بزرگترین تأویل کوثر کتاب و عترت است، برای آن که دو دست‌گیره و وزنه سنگین است که رسول‌الله ﷺ پس از خود برای امت برجای گذاشته و به تمسک جستن به آن‌ها فرمان داده چنین افزوده است که: «آن دو از یکدیگر جدا نخواهند شد تا در کنار حوض بر من وارد شوند».

بدین گونه حوض کوثر در بهشت یا در دهانه آن مجسم‌کننده کوثری است که تجسم آن در دنیا به کتاب خدا و عترت فرستاده او بوده است. این تفسیر با سیاق سوره متناسب است که بدگوی رسول را دم بریده خوانده است، و مفهوم آن این است که عترت و ذریه رسول پس از او امتداد پیدا می‌کند، برعکس عاص بن وائل سهمی که گفته‌اند او کسی بود که رسول را ابتر و بلا عقب خواند و این سوره در حق او نازل شده و او را ابتر خوانده است. در سبب نزول این سوره چنین آمده است: رسول خدا ﷺ از باب صفا وارد خانه خدا و از باب مروه از آن خارج و با عاص بن وائل سهمی روبه‌رو شد، و چون عاص به نزد قریش بازگشت، از او پرسیدند که باچه کس روبه‌رو شدی؟ و او گفت: با ابتر، و مقصودش پیامبر اسلام ﷺ بود و این سوره پس از آن نازل شد. (سیوطی، ج ۶، ص ۴۰۱) (به نقل از تفسیر هدایت) در نصوص مربوط به تفسیر این کلمه اشاره به اهل بیت پیامبر شده، و این که چگونه ستمگران بر اهل بیت را پس از پیامبر از دست یافتن به حوض کوثر منع خواهند کرد. ابن مردویه از انس نقل کرده است که گفت: «بر رسول خدا ﷺ داخل شدم و ایشان فرمودند: «به من کوثر داده شد» و من گفتم: یا رسول‌الله کوثر چیست؟ فرمودند: «نهری است در بهشت که پهنا و درازی آن به اندازه فاصله میان خاور و باختر است، و هر کس از آن بنوشد تشنه نخواهد شد، و هر کس که از آن وضو بسازد هرگز کثیف نمی‌شود؛ از آن کسی که پیمان مرا شکسته یا یکی از اهل بیت مرا کشته باشد، نخواهد چشید». (همان، ص ۴۰۲) به همین سبب فخر رازی از این گفته یاد کرده و با آوردن بعضی از شواهد به تأیید آن پرداخته است. وی می‌گوید: قول سوم این است که مقصود از کوثر اولاد او است، از آن روی که این سوره در

نکوهش عیب‌گیران بر او به این که ابتر و بی پسر است آمد، پس معنی آن می‌شود که: خدا به او نسلی می‌بخشد که با گذشت زمان باقی می‌مانند، و در نظر بیاورید که چه اندازه از اهل بیت او به شهادت رسیدند و هنوز جهان آکنده از ایشان است، در صورتی که از بنی امیه کسی که مورد اعتنا باشد بر جای نمانده است، و به آن توجه داشته باشید که چه اندازه از علما همچون باقر و صادق و کاظم و رضا علیهم‌السلام و نفس زکیه و امثال ایشان در میان اهل بیت وجود پیدا کرده است. (فخررازی، ج ۳۲، ص ۱۲۴) (به نقل از تفسیر هدایت). این پرسش باقی می‌ماند که: آیا کوثر در قیامت حوض بزرگی در آستانه بهشت است یا نهر بزرگی در سراسر آن؟ شاید کوثر نهری باشد که در آستانه بهشت ظاهر می‌شود و در حوضی بزرگ می‌ریزد. در پایان به بعضی از احادیث در توصیف این نهر و حوض اشاره می‌کنیم:

در حدیث منسوب به ابن عباس آمده است که: چون «إِنَّا أُعْطِينَاكَ الْكَوْثَرَ» بر رسول الله نازل شد، علی بن ابی طالب به ایشان گفت: «ای رسول خدا کوثر چیست؟» رسول خدا فرمودند: «نهری است که خدا به من بخشیده است» باز امیر-المؤمنین علیه‌السلام فرمود: «این نهری شریف است پس آن را برای ما توصیف بفرمایید» رسول خدا فرمودند: «آری ای علی! کوثر نهری است که در زیر عرش روان است، و آب آن سفیدتر از شیر و شیرین‌تر از عسل و نرم‌تر از کره است، ریگ آن زبرجد و یاقوت و مرجان، و گیاه آن زعفران، و خاک آن مشک أَذْفَر (تیزبوی) است؛ پایگاه‌های آن در زیر عرش خدای عزوجل است» و سپس رسول خدا دست به پهلوی علی زد و فرمود: «ای علی! این نهر از آن من و تو و دوستداران تو پس از من است». (العروسی الحویزی، ج ۵، ص ۶۸۳) (به نقل از تفسیر هدایت). و مسلم در صحیح خود از انس روایت کرده است که گفت: یک روز که رسول خدا در میان ما بود، ناگهان به خواب رفت و سپس خندان سر خود را بلند کرد و من گفتم یا رسول الله چه چیز شما را به خنده برانگیخت؟ فرمود: «سوره‌ای که پیش از آن بر من نازل شده بود» و سوره کوثر را خواند، و آن‌گاه فرمود: «آیا می‌دانید که کوثر چیست؟» و ما گفتیم که خدا و فرستاده‌اش داناترند؛ فرمودند: «آن نهری است که پروردگارم به من وعده داد، و آن را خیر فراوان است، و آن حوضی است که امت من در روز قیامت بر آن وارد می‌شوند. پس می‌گویم: پروردگار! اتمم، و آن‌گاه گفته می‌شود که: تو نمی‌دانی که پس از تو چه کارها کرده‌اند». (همان، ص ۶۸۱). (به نقل از تفسیر هدایت).

[۲] بنده هنگامی شایستگی بهره‌برداری از تمام نعمت‌های الهی را پیدا می‌کند که به معرفت خدای تعالی و تقرب پیدا کردن به او دست یافته باشد. کسی را مشاهده می‌کنی که خدا نعمت امن و عافیت و ثروتمندی را به او ارزانی داشته، ولی منکر پروردگار خویش است! به تباه کردن این نعمت‌ها با کفران آن‌ها می‌پردازد، و امنیت را برای پراکندن و ترویج فساد، و عافیت را در پیروی از شهوات، و ثروت را در سرکشی و طغیان به مصرف می‌رساند، به همان گونه که نعمت‌های الهی را آزمندی و طمع و اضطراب و نومیدی و بدخلقی تباه می‌سازد! بزرگترین نعمت خدا بر آدمی رسالت الهی است که او را به راه‌های سلام راهنمایی می‌کند، و در تسخیر زندگی به یاری او برمی‌خیزد، و رهبر او به زندگی برتر می‌شود، ولی این رسالت را نیز به نوبه خود کسی می‌تواند تحمل کند که خدا را بشناسد و با عمل و ادا کردن حقوقی که بر گردن دارد به سپاس‌گزاری در مقابل آن برخیزد.

نماز و زکات دو ستون رسالت الهی است، بدان سبب که نماز انسان را به نور پروردگارش می‌رساند، و زکات قلب او را از حرص و بخل و خودپسندی و پرستش دینار پاک می‌کند... و خدا پس از بیان نعمت کوثر به آن هر دو اشاره کرده و فرموده است:

«فَصَلِّ لِلرَّبِّكَ وَ أَنْحِرْ» پس برای پروردگارت نماز بخوان و قربانی کن.

هر چه یقین آدمی به پروردگارش - از طریق نماز و زکات - افزایش یابد، راه‌یابی و رستگاری و بهرمندی از نعمت‌های خدا و از جمله نعمت کوثری که کتاب خدا و عترت رسول الله است نیز افزایش پیدا می‌کند، و این نماز می‌تواند در هر جا بوده باشد: نماز عید قربان در روز دهم ذی‌الحجه، یا نماز بامداد در مزدلفه، یا هر نماز واجب، که در نتیجه سپاس‌گزاری شایسته در برابر نعمت کوثر محسوب می‌شود. نیز چنین است قربانی کردن، خواه در روز عید در منا باشد، و

خواه در جایی دیگر، در هر حال نقش خود را در پاک کردن قلب ایفا می‌کند. میان مفسران در تأویل این آیه همچون در آیه قبل از آن اقوال گوناگونی است که می‌توان آن‌ها را در معنی کلی واحدی جمع کرد که پیشتر از آن سخن گفتیم. ولی نص‌هایی در دست است که بنابر آن‌ها صریحاً معنی «نحر» در این جا برداشتن دست رو به قبله در هنگام نماز است که بعضی از آن‌ها را در این جا می‌آوریم:

در روایت است که چون از امام صادق (ع) درباره این آیه پرسیدند، دست‌های خود را روبه قبله بلند کرد و فرمود که آغاز نماز باید چنین باشد. (العروسی الحویزی، ج ۵، ص ۶۸۳. (به نقل از تفسیر هدایت). بی‌هقی در سنن خود و جز آن از علی بن ابی طالب (ع) روایت کرده است که فرمود: «هنگامی که بر پیامبر (ص) سوره «إِنَّا أُعْطَيْنَاكَ الْكُوثَرَ» نازل شد، پیامبر به جبرئیل گفت: که این قربانی که پروردگار آن را به من داده است چیست؟ و او فرمود: آن قربانی نیست، بلکه خدا فرمانت می‌دهد که چون به نماز می‌ایستی، در هنگام تکبیر گفتن، دست‌هایت را بلند کنی، و نیز پس از پایان یافتن رکعت و پس از برداشتن سر از رکوع چنین کنی، که این نماز ما و فرشتگان در هفت آسمان است؛ و هر چیزی را زینتی است و زینت نماز بلند کردن دست‌ها در هنگام هر تکبیر است». سیوطی، ج ۶، ص ۴۰۳. (به نقل از تفسیر هدایت). من به معنی جامعی دست نیافتم که این تفسیر و تفسیر پیش از آن پیش از آن که بعضی از نصوص درباره آن تأکید کرده‌اند هر دو را شامل می‌شود. ولی می‌توان گفت که: بلند کردن دست علامت آمادگی برای فدا کردن نفس است، و چنان است که گویی انسان به قربانی کردن و نحر آن اشاره و آن را به پروردگار خویش تقدیم می‌کند، در صورتی که قربانی کردن بدن در منی به معنی حقیقی کلمه نحر است. و هر چه باشد، از سعید بن جبیر روایت شده که گفت: این آیه روز حدیبیه نازل شد که در آن پیامبر با قریش صلح کرد و گفت: «انحروا رجع = قربانی کن و بازگرد». (همان) در حدیثی به‌جا مانده از امام باقر (ع) آمده است که معنی نحر آمادگی در قیام است و فرمود: «نحر اعتدال د ر ایستادن است به این که چنان بایستد که گردن و پشت او راست بایستد». (العروسی الحویزی، ج ۵، ص ۶۸۴. (به نقل از تفسیر هدایت).

[۳] از اعجاز قرآن این است که روزی خداوند فرستاده خود را به کوثر بشارت داده است که گروه‌های قریش او را در محاصره قرار داده بودند و یاران او را عذاب می‌دادند، و نزدیک بود بر او دست یابند، و اکنون دین اسلام در زمین آشکار شده، و رسول خدا به صورت بزرگترین شخصیت در همه زمان‌ها و مکان‌ها در آمده است، در صورتی که نسل بدگویان او بریده شده و افسانه‌ای بیش از آنان نمانده، چنان که پروردگار ما سبحانه و تعالی فرموده است:

«إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ» بدگوی تو دم‌بریده و بی عقب و جانشین است».

یاد او جز در لعنت و بیزاری از او بریده و فراموش شده است. خواه این بدگو عاص بن وائل باشد یا ابوجهل یا عُبَیْدُ بْنُ أَبِی مُعِیْطٍ یا کسانی دیگر، و خواه مناسبت سخن گفتن ایشان درباره رسول خدا فوت قاسم بن رسول الله در مکه بوده باشد یا پسر دیگرش ابراهیم در مدینه، تفاوتی پیدا نمی‌شود، چه این خط جاهلی بریده شده و خط پیامبر در گذشت زمان‌ها پیوسته نور افشانی کرده است، و «شانی» دشمن حسود و کینه‌توز است، و «ابتر» از «بتر» به معنی بریدن است و اعراب کسی را که پسری نداشته باشد ابتر می‌نامند، و گفته‌اند که: پیامبر به این صفت متهم شده بود، بدان سبب که آنان را ترک کرد و از ایشان برید و به مخالفت با آنان برخاست، ولی آنان کسانی بودند که بریده و بیگانه شدند. (مدرسی، ج ۱۸، ص ۳۶۸)

نتیجه‌گیری و جمع‌بندی

از آن چه در این پژوهش آمد می‌توان نتیجه گرفت که تفسیر عبارت است از کشف و بیان مراد از لفظ مشکل که در واقع همان پرده‌برداری و آشکار نمودن معنا و مفهوم آیات می‌باشد. از بررسی‌های به عمل آمده این چنین به دست می‌آید که آغاز پیدایش تفسیر مقارن است با عصر نزول قرآن کریم، یعنی مسلمانان از همان ابتدا، هنگامی که در کوفه

آیه‌ای از کتاب خداوند متعال را مشکل می‌دیدند به پیامبر خدا مراجعه می‌کردند و آن حضرت این وظیفه الهی را به نیکوترین وجه انجام می‌دادند و سؤالات و مشکلات آنان را برطرف می‌کردند و پس از آن حضرت، امیرالمؤمنین (علیه السلام) و سپس صحابه گران‌قدری چون ابن عباس و ابن مسعود و ابی بن کعب با تشکیل کلاس و تربیت شاگردانی چون سعید بن جبیر و طاووس بن کیسان و سعید بن مسیب و... که تابعین نام گرفتند به کار تفسیر پرداختند با گسترش اسلام و افزایش مسلمانان در مناطق مختلف، تفسیر ساده زمان پیامبر و صحابه به تنهایی جواب‌گوی نیازهای مختلف مسلمانان نبود چرا که سؤالات آنان دیگر آن سؤالات ساده و در حد لغت زمان پیامبر نبود و به جنبه‌های دیگری توجه داشتند و آن‌ها را مورد سؤال قرار می‌دادند و این اتفاق مقارن با زمان تابعین بود. از این رو در عصر حاضر تفاسیری ارزشمند توسط مفسرین بزرگ و عالم نگاشته شده، که هر کدام در بردارنده نکاتی است که درک بهتر و راحت‌تر این کتاب بزرگ را برای مسلمانان امکان پذیر کرده است. از جمله این تفاسیر ارزشمند تفسیر «من هدی القرآن» یا همان هدایت به قلم دکتر سید محمد تقی مدرسی را می‌توان نام برد که به «تفسیر هدایت» شهرت دارد، کتابی که فهم قرآن را برای همگان آسان کرده، چرا که مفسر در این تفسیر علاوه بر بهره بردن از روش‌های تفسیری قرآن به قرآن و روایی و... توجه بسیار به بعد ادبی اجتماعی آیات داشته است. و آیات را از این منظر مورد بررسی قرار داده و همین امر فهم این تفسیر را راحت کرده است. مفسر در این تفسیر ابتدا سوره را معرفی کرده، و در این قسمت به نکات جالبی اشاره کرده است از جمله علت نام گذاری سوره و شأن نزول و سبب نزول و... سپس زمینه‌ای کلی از سوره، قرائت آیات و ترجمه لغات را بیان داشته و در پایان به شرح و تفسیر آیات پرداخته است. در این تفسیر مفسر فقط بر آن نبوده است که به تفسیر لغوی کلام وحی بپردازد بلکه پس از تدبر در آیات و شرح و تفسیر آن‌ها نکاتی درخور حال جامعه‌ی امروز را بیان کرده که این به ارزش این تفسیر افزوده است، چرا که به دنبال بیان نکات ساده و خسته کننده که بسیاری از مفسران ناخواسته بدان گرفتار شده‌اند نیست. از دیگر امتیازات این تفسیر آن است که مفسر قبل از آوردن شرح آیات، رهنمود- های آیات را آورده است، یعنی فضای حاکم بر کل سوره را در تفسیر هر بخش از آیات مد نظر داشته است، و این کمک می‌کند که مفسر در تفسیر از مسیر اصلی دور نماند، و در تفسیر گرفتار تفسیر به رأی نشود. که به نظرمی‌آید جای چنین بحثی در برخی تفاسیر عصر حاضر خالی مانده است. هدفی که خود ایشان بیان می‌کند این است که می‌خواهد در این تفسیر مسائل تربیتی قرآن را بیان کند و می‌گوید روش من تربیتی اخلاقی است. در واقع تلاش می‌کند برای فهم قرآن مسائل تربیتی و اخلاقی را به عرصه بکشد و مطرح کند. این کتاب در ۱۸ جلد و به زبان عربی نگاشته شده و توسط آقایان، احمد آرام، دکتر عبدالحمید آیتی، پرویز اتابکی و دکتر جعفر شعار، با نام تفسیر هدایت ترجمه شده است.

منابع

- قرآن کریم، ترجمه استاد محمد مهدی فولادوند، تهران: دارالقرآن الکریم (دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی). چاپ اول: ۱۴۱۵ ق.
- ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمر: تفسیر القرآن العظیم، الکتاب المصری، ۱۹۸۸ م.
- ابن منظور، محمد بن مکرم: لسان العرب، قم: نشر ادب و الحوزه. چاپ دوم: ۱۴۰۵ ق.
- ایازی، محمد علی، المفسرون، حیاتهم و منهجهم، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ۱۴۱۴ ه. ق، ۱۳۷۳ ش.
- جر، خلیل: المعجم العربی الحدیث، ترجمه: حمید طبیبیان، تهران انتشارات امیرکبیر. چاپ هفتم، ۱۳۷۶. خوبی، ابوالقاسم، بیان در علوم و مسائل کلی قرآن. ترجمه: محمد صادق نجمی، هاشم هریسی. قم: بی. نا. چاپ دوم: ۱۳۹۷ ق.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن. مصر: دفتر انتشارات الکتاب. چاپ دوم: ۱۴۰۴ ق.
- زرکشی، بدرالدین: البرهان فی علوم القرآن، دارالمعرفه، بیروت، ۱۳۹۱ ه. ق.
- سیوطی، جلال الدین: الاتقان فی علوم القرآن، ترجمه مهدی حائری قزوینی، تهران انتشارات امیرکبیر. چاپ اول: ۱۳۶۳.

- سیوطی، جلال الدین، درالمنثور فی التفسیر بالمأثور، دارالفکر، بیروت، ۱۴۰۳ ه.ق.
- طباطبایی، محمدحسین: قرآن در اسلام، تصحیح: رضا ستوده. تهران: دارالکتاب الاسلامیه. چاپ دوم: ۱۳۵۳.
- طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیرالقرآن، مترجم: سید محمد باقر موسوی همدانی، قم: دفترانتشارات اسلامی. چاپ بیست و یکم: بیتا.
- طبرسی، فضل بن حسن: مجمع البیان فی تفسیرالقرآن، تهران: انتشارات ناصر خسرو. چاپ سوم ۱۳۷۲.
- العروسی الحویزی، عبدعلی بن جمعه، نورالثقلین، تصحیح سید هاشم رسولی محلاتی، مطمقیه الحکمه، قم.
- علوی مهر، حسین: روش‌ها و گرایش‌های تفسیری. تهران: انتشارات اسوه، چاپ اول: ۱۳۸۱.
- فخررازی، التفسیر الکبیر، ترجمه علی اصغر حلبی، اساطیر، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۱.
- فراهیدی، احمد بن خلیل، «العين»، مؤسسه دارالهجره، قم، چاپ الاول، ۱۴۰۵ ه.ق.
- فعال عراقی، حسین، مجله گلستان قرآن. ش ۴۳، بی تا.
- فیروزآبادی، محمد بن یعقوب: قاموس المحيط، بی جا. بی نا. بی تا.
- فیومی، احمد ابن محمد: المصباح المنیر، بی جا: دارالهجره. اول: ۱۳۴۷ ق.
- مدرسی، سید محمد تقی، من هدی القرآن، ترجمه، احمد آرام، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۷۷.
- مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن، تهران، وزارت ارشاد اسلامی، چاپ الاول: ۱۳۶۸ ش.
- معرفت، محمد هادی، تفسیر و مفسران، ترجمه: علی خیاط، قم: انتشارات تمهید. چاپ دوم: ۱۳۸۵.